

پیشگیری از خشونت خانوادگی: مشارکت جامعه تفاوت آفرین است



Steve Rhodes عکس:

(P.CatlinFullwood) [کاتلین فولود](#) نویسنده:

(KellyMitchell-Clark) (کلارک-وکلی میتچل) LindseyAnderson ویراستاران: لیندزی اندرسون)

گروه ترجمه خانه امن

مقدمه

ما ناچار به ساختن جوامعی هستیم که از درون تغییر داده شوند. اگر می خواهیم نسبت به رفاه کودکان و کاهش خشونت میان آنها مطمئن شویم، باید از هزاران نفر از افراد خود جامعه و بلکه از خود ساکنین جامعه، و نه تنها از ارائه دهندگان خدمات، بخواهیم نسبت به «این کار اقدام کنند»

(Marcie Biddleman) ماریسی بیدلمن)

(Clearwater Florida)، کلیرواتر، فلوریدا (Devereux Florida) معاون دبیر اجرایی ارتباطات و توسعه: دورکس فلوریدا)

بیان مسأله

که مشترکاً به - خشونت خانگی وکلای خشونت خانگی دریافته اند که کودک آزادی و در طول سالیان، مددکاران رفاه کودکان و اغلب در خانواده های مشابه ای حادث می شود. اگرچه در برنامه های بیشماری این دو مسأله مورد - خشونت خانوادگی معروف است بررسی قرار گرفته اند، اما این دو مورد با یکدیگر کمتر بررسی شده اند. هنوز خشونت خانوادگی تبعات ویرانگری بر اشخاص، خانواده ها، و جوامع محل زندگی آنها دارد.

جنسی سوم آنها توسط همسر یا دوست پسر خود در یک مقطعی از زندگی شان از نظر فیزیکی و- طبق گزارشات زنان آمریکایی تقریباً یک گزارشات مرتبط با کودک آزادی یا سوءرفتار با کودکان نیز به طریقی مشابه هشداردهنده است، به گونه مورد آزاد و اذیت قرار می گیرند. ای که تقریباً یک میلیون گزارش تأییدشده از کودک آزادی یا چشم پوشی از کودکان در سال 1998 وجود داشت. در همان سال، حدوداً 1100 کودک (روزانه سه تن) در نتیجه چنین آزار و اذیتی جان باختند، و این درحالی است که تقریباً 80 درصد آنها کودکان زیر پنج سال بودند.

کودک آزادی و خشونت خانوادگی آنقدر درهم تنیده هستند که گزارش هیأت مشاوران ایالات متحده درباره کودک آزادی و چشم پوشی از کودکان به تاریخ 1995 نشان داد که خشونت خانگی ممکن است اصلی ترین مقدمه ای بر تلفات کودک آزادی و چشم پوشی از مثلاً، در مطالعه ای که به سال 1993 در اورگان انجام شد، مشخص شد که خشونت خانگی در 41 درصد کودکان در آن کشور باشد. در مطالعه ای که به سال 1994 بر روی 200 خانواده ها حادث شد و منجر به صدمه دیدن شدید کودکان یا حتی کشته شدن آنها گشت. پرونده کودک آزادی توسط دپارتمان خدمات اجتماعی ماساچوست انجام شد خشونت خانگی در 48 درصد پرونده ها حادث شده است.

غالب واکنش‌های نهادها به مسأله خشونت خانوادگی براساس رفاه کودکان و سیستم‌های عدالت کیفری بوده است. در گذشته، مددکاران محافظت از کودکان و خشونت خانگی در موارد نادری با یکدیگر تعامل و همکاری داشتند. در واقع، بیشتر تنش میان این دو گروه وجود داشت. مددکاران محافظت از کودکان، براساس حکم دولت، در صورت امکان حامی امنیت کودک و حفظ نهاد خانواده بودند.

جر رشد کرده بودند محور با هدف محافظت از زنان در برابر ضرب و-از سوی دیگر، مددکاران خشونت خانگی، که از جنبشی جامعه تلاش داشتند تا به زنان در رهایی از روابط آزاردهنده شان کمک کنند. این دو گروه با یکدیگر تعامل نمی کردند و به ندرت با اعضای جوامع کار انجام می دادند، آنها درصدد توسعه استراتژی‌های پیشگیری خشونت خانوادگی بودند.

چرا لازم است جهت پیشگیری از خشونت خانوادگی، استراتژی‌هایی برای مشارکت جوامع تبیین کرد؟

اگرچه نهادهای خدماتی و پاسخگو اجزای مهمی در مقابله با خشونت خانوادگی هستند، اما مهمتر از آنها ایجاد تغییری واقعی و حفظ آن از بحث‌های مرتبط با -جوامع یعنی خانواده‌ها و - اما در این میان آن گروه‌هایی که دچار بیشترین صدمات از خشونت می شوند است. پیدا کردن راه حل این مشکل به طرز گسترده‌ای بیرون گذاشته شده اند. با این حال، در واقع همین افراد مورد خشونت واقع شده کاملاً می دانند که چگونه خشونت در زندگی روزانه، در محیط اطراف، در روابط، در توانایی آنها به حرکت آزادانه در محله و در میان گروه‌های همتای آنها تأثیر گذاشته است.

خانواده‌ها و اعضای جوامع به دلایل بسیاری در پیشگیری از خشونت خانوادگی نقشی حیاتی دارند، از جمله این دلایل عبارتند از:

- مطالعات نشان می دهند زنانی که مورد تعرض قرار می گیرند قبل از مراجعه به یک سازمان یا ارائه دهنده خدمات حرفه‌ای، ابتدا به همسایگان خودشان مراجعه می کنند. تعداد نسبتاً کمی از آنها نیز به یعنی اعضای خانواده، دوستان، و - نزدیکترین افراد خودشان آژانس‌های مراقبت از یعنی پلیس، دادگاه، و - در مرحله آخر، زنان به نهادهای دولتی خدمات خانه‌های پناهگاهی مراجعه می کنند. و کودکان مراجعه می کنند.
- خانواده‌هایی که دچار خشونت می شوند اغلب از ارائه دهندگان سنتی خدمات و از خدماتی که در بیرون از خانه در محله به آنها ارائه می شود، جدا می شوند.
- اعضای جوامع اغلب می دانند کدام خانواده‌ها به کمک نیاز داشته و ارائه چه خدماتی تفاوت ایجاد می کند.
- و همچنین مواردی که در صورت استفاده مناسب می - اعضای جوامع ارزش‌های فرهنگی، سنت‌ها، و موارد عرفی ایجادکننده خشونت را می شناسند. - توانند سبب ممانعت و توقف خشونت شوند
- جوامع مشکل از مردان، زنان، و جوانانی هستند که ارتباط بین خشونت در منزل و خیابان را می فهمند و به گمان آنها خشونت خانوادگی مهمترین مانع توسعه و بهبود جوامع می باشد.
- بیشتر ساکنین و رهبران جوامع دارای اراده و ظرفیت برای توسعه مهارت‌های لازم در هدایت فعالیت‌های پیشگیری و ممانعت کننده خشونت می باشند.

مشارکت جوامع برای شروع تغییر

بنابراین جوامع مکان‌هایی حیاتی برای انجام مباحث لازم جهت پیشگیری و توقف خشونت خانوادگی می باشند. با این حال هنوز دانش کمی نسبت به چگونگی مشارکت دادن رهبران و ساکنین جوامع محلی در این مسائل وجود دارد. نهادها، بنیادها، و آژانس‌های معدودی به بررسی ارتباط بین کودک آزادی و خشونت خانگی اقدام کرده اند اما با این حال برنامه‌های بررسی کننده تئو این دو مسأله غالباً هنوز (برنامه‌ای تحت عنوان مشارکت جوامع برای آغاز تغییر ایجاد FVVPF در مراحل اولیه قرار دارند. بنیاد پیشگیری خشونت خانوادگی) کرد، تا در آن سازمان‌ها و سیستم‌های استفاده کننده استراتژی‌های بسیج کردن جوامع جهت پیشگیری خشونت شناسایی و مورد یادگیری واقع شوند.

کاهش خشونت مدار گسترده‌ای را مورد بررسی قرار داد که در بسیج کردن افراد محلی در پیشگیری و- برنامه‌های جامعه FVVPF بنیاد خانوادگی دخالت داشتند. این برنامه‌ها که در سراسر کشور راه اندازی شده اند در محله‌های خاص یا گروه‌های منطقه‌ای خاص قومی یا نژادی اجرا می شوند. شرکت کنندگان تعاریف گسترده‌ای از خشونت خانوادگی ارائه داده اند که عبارتند از کودک آزادی و سوء رفتار با کودکان، خشونت خانگی، خشونت بین معشوقه‌ها، آزار و اذیت‌های جنسی، و خشونت جنسی همدم صمیمی. در تعدادی از این سازمان‌ها، HIV، کودک آزادی و در تعدادی دیگر خشونت خانگی مسأله اصلی بوده است. در تعدادی، اعتیاد به مواد مخدر، خشونت جوانان، خشونت جامعه به عنوان فاکتور اولیه و در تعدادی دیگر رویکرد توسعه جامعه به عنوان نقطه آغازین بوده است.

اما از هر جایی که آنها اقدام کردند، در مطالعات سازمان‌های جوامع ارتباط بین اشکال مختلف خشونت خانوادگی و سایر مشکلات تأثیرگذار در جامعه نمایان شد.

گرد هم آوردن نوایغ، منابع، و مهارت‌ها» در کلیه این برنامه‌ها یک استراتژی مشارکت دادن جوامع استفاده می شود که عبارت است از

که در این مورد در کاهش خشونت خانوادگی است. این «در جوامع به منظور افزایش کار و توان جمعی برای ایجاد تغییرات اجتماعی موارد اساسی را مورد یادگیری قرار داده اند، و برای این منظور از استراتژی های FVPPF برنامه های پیشگام انجام شده توسط بنیاد محور استفاده می کنند تا به خانواده های نیازمند سیدگی کنند و رهبران محلی، ساکنین، ارائه دهندگان خدمات، و - مشارکتی جامعه نهادهای دولتی را در توقف خشونت دخیل کنند. همه این افراد متعهد به گوش دادن به جامعه و یادگیری از این خانواده ها می باشند و همگی درصد ارائه خدمات شایسته به خانواده ها می باشند و همگی با دشواری های تمرکز بر خشونت خانوادگی در جوامع درگیر با درجات مختلف فقر، مشکلات اقتصادی، محرومیت های تحصیلی، و اعتیاد به مواد مخدر دست و پنجه نرم می کنند. در واقع این وظیفه آنها چالش انگیز است.

هدف نهایی آنها یعنی پیشگیری و کاهش خشونت خانوادگی البته کاملاً روشن است. تعدادی کمی از آنها شیوه هایی جهت سنجش «راه حل سریع» پیشرفتشان طراحی کرده اند. آنها دریافت اند که رویارویی با مشکلات جاری و به هم پیوسته به معنای عدم وجود هر گونه است؛ یعنی آنها باید در این مسیر برای انجام یک کار دشوار ادامه دهند. البته به هرحال آنها حاضراً داستان های زیاد و درس های بسیاری برای به اشتراک گذاشتن با دیگران در اختیار دارند.

این گزارش چیست؟

محور در مسیر مقابله با خشونت خانوادگی می پردازد. تمرکز اصلی - این گزارش به بررسی درس های یاد گرفته شده از تلاش های جامعه است؛ این اهداف در مسیر تلاش های پیشگیری از FVPPF این گزارش بر پنج مورد هدف اصلی شکل گرفته از نظرسنجی های بنیاد خشونت خانوادگی حیاتی هستند. این بحث شامل نمونه گروه هایی می شود که به این اهداف می پردازند. همچنین بخش دیگری وجود را - یعنی لیستی از دستورالعمل های کاربردی برای مشارکت مؤثر جوامع در پیشگیری از خشونت خانوادگی - دارد که الفبای اصلاحات شامل می شود.

امیدوار است تا بعد از خواندن این گزارش رهبران و ساکنین جوامع، ارائه دهندگان خدمات اجتماعی، وکلای خشونت FVPPF بنیاد خانگی، و مددکاران رفاه کودک بتوانند در رویکرد مشارکت جوامع جهت پیشگیری خشونت خانوادگی با دورنمای آگاهانه تری شرکت کنند. این امر به نوبه خودش باید تسهیل کننده روابط کاری بهتری در میان گروه ها و افراد مشارکت کننده باشد و به بهبود ایجاد و اجرای محور جهت مقابله با خشونت در جوامع در سراسر کشور کمک کند - موفق تر تلاش های مشارکت جامعه

اهداف: چه امری جهت پیشگیری از خشونت خانوادگی باید صورت بگیرد.

هیچ راه حل ساده ای در مقابل خشونت خانوادگی یا روند تثبیت شده ای جهت پایان دادن به آن پیدا نشد. FVPPF در مطالعه بنیاد نظرسنجی های سازمان ها رویکردهای مختلفی را اتخاذ کرده و تجارب و خدمات گوناگونی به واسطه آنها مطرح شد. همه این موارد مسأله خشونت خانوادگی را در بافت شرایط موجود در جامعه بررسی کردند. به این معنا که توانستند به ایجاد و شناسایی نعمت های جامعه با استفاده از خدمات و پیام های مناسب فرهنگی، و پرورش و حمایت رهبران محلی حامی ایجاد و استمرار تغییر دست یافتند. پنج دلیل عمده بحث شده در اینجا درهم تنیده می باشند، و اغلب سازمان های نقل شده هم زمان در بسیاری از آنها کار کرده اند.

چه اقداماتی جهت پیشگیری از خشونت خانوادگی باید در جوامع اتخاذ شود؟

1. افزایش اطلاع رسانی درباره خشونت خانوادگی و ایجاد عرف های اجتماعی جهت رد خشونت.
2. متصل کردن ساکنین جوامع به مراکز ارائه خدمات
3. تغییر شرایط اجتماعی جوامع که منجر به بروز خشونت می شوند
4. ایجاد شبکه ای از رهبران در جوامع
5. پاسخگو کردن مراکز ارائه خدمات و مؤسسات در قبال نیازهای جوامع

افزایش اطلاع رسانی درباره خشونت خانوادگی و تغییر عرف های اجتماعی

یکی از نخستین الزامات در انجام هر گونه تلاشی برای بسیج نمودن جامعه افزایش اطلاع رسانی درباره آن مشکل است. اگر مردم ندانند که خشونت خانوادگی در جوامع آنها موجود است، اگر مردم تأثیرات آن را ندانند یا چگونگی کمک در مبارزه با آن را ندانند، آنگاه احتمالاً در رد و تقبیح آن مشارکت نخواهند داشت. خشونت خانوادگی اغلب به عنوان موضوعی خصوصی در نظر گرفته می شود که خانواده ها تمایلی به صحبت درباره آن ندارند. البته نهادهای مذکور در این مطالعه دریافته اند که خانواده ها در صورت برخورداری از محیطی ایمن و فرصتی مطمئن بی اکراه اقدام به صحبت درباره خشونت می کنند. اطلاع رسانی درباره این مشکل ذهنیت مردم نسبت به آن را تغییر می دهد و مردم حس می کنند می توانند در قبال آن اقدامی انجام دهند.

(United Neighbors of Fall River)، پروژه در دست اقدام همسایگان متحد فال ریور (Placemat Project) در پروژه زیربنایی (، از منطقه فال ریور ماساچوست، که مکان تجمع افراد جامعه است (جهت توصیف پروژه مکان تجمع افراد جامعه به صفحه 13 River

مراجعه شود). تعداد 225000 زیربشقابی تولید و در میان رستوران ها، مراکز تجمع افراد جامع، و نهارخوری های کارخانه های محلی توزیع گردید تا ساکنین آن نواحی نسبت به خشونت خانگی و مراکز دریافت کمک مطلع شوند. کیم چوینارد، مبتکر پروژه همسایگان من دیگه از خوندن علائم بروج دوازده گانه زیربشقابی در رستوران چینی محلی مون خسته» (، می گوید: United Neighbors متحد (با خودم فکر کردم، آگه من همشو همش دوباره این طالع بینی ها رو بخونم، مردم هم دقیقاً همین کار رو» او ادامه می دهد: «شده بودم. (نمونه ای از داشتن تعامل با گروه های Placemat Project پروژه زیربشقابی («می کنن آگه آن پیام ها درباه خشونت خانگی باشه. تجاری برای آموزش مطمئن عموم مردم با هدف قرار دادن خانواده هایی است که یا مشکل را نمی دانند یا خودشان آن را تجربه کرده اند. اما به صورت منفعل به دنبال کمک نبوده اند.

Community Involvement فلوریدا، تیم های مشارکتی جامعه ()، South St. Petersburg در سات ست پترسبرگ () (Devereux Foundation) به عنوان زیرمجموعه ای از بنیاد دورکس (Devereux Kids) که توسط دورکس کیدز ()، American Humane Association's Front Porch ایجاد شدند درصد معرفی پروژه رواق جلویی انجمن انسانی آمریکا () به ساکنین و آموزش آنها جهت مواجهه با کودک آزاری بوده است. این ساکنین روشی ساده اما مؤثر در حمایت از همسایگان @Front Porch Project (در پاسخگویی به همسایگان خود با اورstar ما به مدل ستاره (« یکی این ساکنین و کمک به امنیت آنان و کودکان داشتند. به گفته تیم های «داریم. شما در قبال همسایگانی که آنها را از درب مقابل، درب پشت، و پنجره های دو سمت می بینید، مسئول هستید. (درصد مشارکت دادن Devereux Kids) با همکاری دورکس کیدز (Community Involvement Teams) مشارکتی جامعه () به گروه هایی از قبیل رهبران مذهبی، سازمان های مردمی، @Front Porch Project ساکنین جامعه و آموزش پروژه رواق جلویی () رؤسای اتحادیه های محلات، و نماینده های محلات برآمدند. با مشارکت دادن ساکنین جامعه در شناسایی موضوع کودک آزاری و اطلاع رسانی نسبت به این مشکل افزایش می یابد و رهبران جدید جوامع کسانی می شوند که بتوانند در درک چگونگی واکنش به آن، این مشکل به همسایگان خود کمک کنند. در این فرایند، ساکنین توانایی خود در پایان دادن به خشونت خانوادگی را کشف می کنند و از ایجاد تغییر در جوامع خود حمایت می کنند.

Asian Women's Shelter (AWS) کمپین اطلاع رسانی خلاقانه دیگر در سان فرانسیسکو بود که توسط پناهگاه زنان آسیایی () ایجاد می کند. بعد از Bay Area برای زنان مهاجر و پناهنده پناهگاه هایی اضطرابی و بلندمدت در منطقه بی اریا (AWS اندازی شد. این گروه اقدام به فعالیت برای مشارکت دادن آنکه آنها متوجه شدند تنها درصد کمی از زنان به دنبال خدمات پناهگاهی آنها می بودند، (Bay Area) به عنوان نخستین پروژه منطقه بی اریا (Shimtuh) افراد جامعه کرد. از جمله نخستین نمونه های این تلاش ها شیمتوح () به عنوان یک شبکه غیررسمی از زنان کره ای Shimtuh در بسیج کردن افراد جوامع کره ای بر علیه خشونت خانگی است. شیمتوح () Korean American علاقمند به مسأله خشونت خانگی با نام ائتلاف کره ای آمریکایی جهت پایان دادن به خشونت خانگی () از طریق مقالات روزنامه های کره ای زبان، KACEDA آغاز به کار کرد. KACEDA Coalition to End Domestic Violence (KACEDA) با انجام نظرسنجی ها و KACEDA کتابچه ها یا اطلاع رسانی و سایر منابع مرتبط کره ای اقدام به آموزش جامعه کره ای آمریکایی کرد. تمرکز بر گروه ها ابتدا تلاش کرد تا ذهنیت و تجربه فرهنگ کره ای را در قبال خشونت خانگی بشناسد. جمع آوری اطلاعات در این اقدام خود تبدیل به یک استراتژی نظام مند شد چراکه رسانه های کره ای، نهادهای تجاری و دینی هر یک به نوعی در توزیع این (نیز از آن تاریخ به بعد Shimtuh) شد. شیمتوح (Shimtuh) نظرسنجی درگیر شدند و نتیجه کل این فرایند منجر به ایجاد شیمتوح () اقدام به برگزاری جشن های محلی با حمایت فروشگاه های محلی، ایجاد کمپین های وب سایتی مرتبط با کلیساها و مقبره های محلی کرد تا به این شکل با آموزش و مشارکت دادن جامعه دینی و برگزاری تربیون های آزاد در روزنامه های کره ای زبان نهادهای مهم جامعه را در پیشگیری از خشونت خانگی همراه خود کند.

نقاط قوت و چالش های افزایش اطلاع رسانی و تغییر دادن موارد عرف:

- این مهم به درک بهتر چگونگی و چرایی حادث شدن خشونت خانگی و تأثیر آن بر جامعه کمک می کند.
- این مهم فراهم کننده بستری برای ایجاد موارد عرفی جدید درباره خشونت خانوادگی و چگونگی پیشگیری از آن است.
- این مهم بحث خشونت خانگی را به اطلاع عموم می رساند.
- این مهم به مسأله عدم پذیرش و انزوای ناشی از خشونت خانوادگی اشاره می کند.
- اطلاع رسانی به نوبه خود منجر به عمل نمی شود.

2. متصل کردن ساکنین جوامع به مراکز ارائه خدمات

اطلاع رسانی نخستین گام در پیشگیری و کاهش خشونت خانگی است. گام بعدی ارائه کمک به خانواده های نیازمند می باشد. این کمک می تواند از مراکز ارائه خدمات سنتی و موجود، و یا از برنامه های جدید خود ساکنین باشد. کلیه گروه های شناخته شده در به نوعی مشغول انجام این اقدامات می باشند، و در بسیاری از آنها اعضای جوامع که خودشان زمانی مورد آزار و اذیت قرار گرفته FVPPF اند رهبری کمک به خانواده های تحت خشونت را عهده دار شده اند.

زمانی افراد در این محل ها وارد خانه خود می شدند و با بستن درب می گفتند این موضوع به خانواده من ربط ندارد. اما آنها هم اکنون»

نقاط قوت و چالش های متصل کردن ساکنین جوامع به مراکز ارائه خدمات

- این رویکرد سبب ایجاد خدمات واقعی به اعضای نیازمند جامعه می شود.
- این رویکرد با ایجاد نقاط دسترسی در جامعه توانایی اعضا در کمک خواهی و اتصال به شبکه های اجتماعی را افزایش می دهد.
- مشارکت جامعه در مدل های خدماتی همواره اولویت نیست چراکه غالباً این مشارکت برای منابع خدمات بوده و نه تلاشی برای مشارکت دادن اعضای جامعه در توجه به خانواده های نیازمند کمک.
- ممکن است برنامه های ارائه خدمات با درخواست های نیاز جاری مملو شده و فاقد هر گونه ظرفیت برای کمک رسانی به افراد ترسو با درخواست های بیشتر باشد.

3. تغییر شرایط اجتماعی جوامع

اکثریت سازمان های مذکور در این گزارش مشغول کار در جوامعی هستند که دارای فقر گسترده است. رویایی ترین و احتمالاً دشوارترین هدف مشارکت دادن اعضای جامعه به تغییر شرایطی نظیر فقر است که خود عاملی برای خشونت می باشد و این در حالی است که هم زمان باید به هر یک از این خانواده ها در برخورداری از خدمات براساس نیاز خاص آنها کمک کرد.

(در سن برناردینو کالیفرنیا ارائه خدمات به جامعه شهری است که Central City Lutheran Mission مأموریت مرکز شهر لوتران) در آنها نیمی از جمعیت زیر خط فقر زندگی می کردند. این جامعه دارای زیرساخت های خانوادگی محدودی برای زندگی هستند، 30 درصد جمعیت آنها دارای تحصیلات دبیرستانی می باشند، فرصت های شغلی بسیار ناچیز داشته و میزان خشونت خانوادگی و جوانان در آن بالا است. همچنین این جامعه دارای بیشترین میزان مرگ و میر کودکان در کشور و بالاترین میزان انتقال بیماری های جنسی در میان نامیده می شود. علی رغم این فاکتورها، این مأموریت بر نقاط قوت «پایتخت مت آفتمین جهان» نوجوانان است، به طوری که به عنوان جوانان اقدام به ساخت تنوع گسترده مدار را ارائه می دهد- جوان محور و- شمار گسترده ای از برنامه های جوان این جامعه کار می کند و ای از پروژه ها از قبیل خبرنگارانه نویسندگی و عکاسی درباره تجزیه و تحلیل جوانان از شرایط بحرانی بسیاری از مشکلات محل همچون ، رپ، و اشعار دارای مفاهیم مرتبط با جریانات هفتگی جوامع Hip Hop خشونت خانوادگی و جوامع کردند؛ حجم گسترده ای از اشعار نظیر شیوع خشونت، گسترش نظرات گروه های همتا درباره مسائل سلامتی؛ و یک برنامه آموزشی خارج از مدرسه که در آن نوجوانان به کودکان کوچکتر از خود به صورت خصوصی تدریس می کردند، به راه افتاد. برنامه های این مأموریت با دادن ابزار رهبری و تصمیم سازی در تغییر شرایط اجتماعی شکل دهنده خشونت منجر به افزایش قدرت و انعطاف پذیری جوانان شد.

از سیاتل واشنگتن با کار در جامعه C.A.R.A (Communities Against Rape and Abuse) جوامع مخالف تجاوز و آزار و اذیت) تثبیت سایر موارد مهم از قبیل خشونت پلیس، و جوانان در صدد شناسایی ارتباطات خشونت فردی و آمریکایی، جامعه معلولان و- آفریقایی وضعیت معلولان و فقرا می باشد. تیم های عملیاتی این جامعه متشکل از افراد چندین جوامع با راه اندازی گردهمایی های متنوع نظیر کارگاه های آموزشی بسیار برجسته، جلسات بحث و مناظره و سایر رویدادهای جوامع در صدد شناسایی ارتباطات بین خشونت فردی و (نوعی جلسات C.A.R.A's Young People's Liberation Project سایر مسائل مهم جامعه بودند. مثلاً در پروژه آزادی جوانان کارا) تجاوز،) برای جوانان طراحی شده که می توانند با شرکت در آن به بحث و گفتگو درباره ارتباطات سالم،Scratching Post ماهانه) خشونت همدم های صمیمی، ظلم و تعدی و سایر مسائل جاری جامعه پردازند. در این جلسات معمولاً اقداماتی نظیر صرف غذا، بحث های حیاتی، پروژه های خلاقانه ای نظیر تولید برجسب یا دکمه هایی با مضامین توقف موارد عرفی اجتماعی تولیدکننده خشونت صورت رهبرانی مردمی ماهر و هدفداری تولید می کند و فرصت هایی برای انتقال فرهنگی درازمدت به وجود می آورد. به این شکل، آورد.

نقاط قوت و چالش های تغییر شرایط اجتماعی جوامع:

- در این رویکرد به نیازهای جامعه در ارتباط با ثبات، بهداشت، رفاه، و عدالت پرداخته می شود.
- در این رویکرد کودک آزاری، خشونت خانگی، و خشونت جامعه به عنوان مشکلاتی در هم تنیده در نظر گرفته می شوند.
- این رویکرد ارتباط بین خشونت و سایر مشکلات اجتماعی نظیر فقر، فروپاشی شهرها، اعتیاد به مواد مخدر، مسائل مربوط به سلامتی روحی و فیزیکی را مورد شناسایی قرار می دهد.
- تلاش ها برای متصل کردن این مسائل گاهاً رد می شوند چراکه اهمیت یک مورد در مقابل موارد دیگر نادیده فرض می شود.

ایجاد شبکه ای از رهبران در جوامع

FVPF توسعه رهبری سنگ بنای اصلی هر گونه تلاش در مشارکت دادن جامعه و به عنوان وظیفه حیاتی کلیه گروه هایی است که توسط مورد نظرسنجی واقع شده اند. ایجاد و تقویت رهبران جدید به معنای ایجاد پیام رسانانی است که می توانند درباره خشونت خانوادگی اطلاع رسانی کرده و ارتباط بین کودک آزاری و خشونت خانگی را به خوبی ابراز کنند. رهبران می توانند مردم را در برداشتن گام های عملی بسیج کنند و آنها را در فعالیت های جدید شناسایی و پیشگیری خشونت مشارکت دهند. توسعه رهبران جدید اگر از دل هر جامعه

صورت بگیرد همچنین می تواند تضمینی بر عملی شدن اصطلاحات باشد.

در ابتدا به عنوان *Líderes Campesinas* (Organización en California de Líderes Campesinas, Inc.) لدرز کمپشینز (توسط زنان کشاورز به منظور ارتقای شرایط کاری آنها شروع به کار کرد. از سال 1992، لدرز کمپشینز «پیشخوان آشپزی» یک (درصدد متصل کردن اقدامات و فعالیت های آموزشی در ارتباط با خشونت خانگی و تعرض جنسی در قبال *Líderes Campesinas*) به گونه ای نیروی کار زن بخش کشاورزی را آموزش *Líderes Campesinas* کارگران خود و امنیت آنها بوده است. لدرز کمپشینز (ساسدا- میلی تروینو. بخش های بسته بندی درباره چرخه این تعرض تعلیم دهند داد که آنها خود می توانستند به زنان شاغل در مزارع و ما با مراجعه به زنان جامعه با آنها» (می گوید: *Líderes Campesinas*)، بنیانگذار لدرز کمپشینز (*Mily Treviño-Sauceda*) درباره ایمنی محیط، آب شرب سالم، بیماری آسم، و مسمومیت سرب و همچنین درباره خشونت صحبت می کنیم چراکه باور داریم کلیه استراتژی های کاری این گروه شامل صرف شامل غیررسمی در منازل زنان می باشد که فاقد هرگونه «این موارد با یکدیگر مرتبط هستند. خطری برای آنها در داشتن مکالمات صمیمی است.

زنان مهاجری که در معرض خشونت و تعارض قرار دارند به دلیل ترس از دچار شدن با مشکلات اداری بسیار نظیر ترس از دیپورت، بی اعتمادی از حمایت قانون، و عدم داشتن سطح توانایی لازم زبان غالباً از قطع روابطی که در آن مورد تعرض و خشونت قرار می گیرند، (*Des Moines* شروع شد که از دز موئینز (*Latinas Unidas Por Un Nuevo Amacer* (LUNA) خودداری می کنند. لونا (با آموزش مهارت های لازم جهت برخورداری مؤثرتر و مناسبتر جامعه از خدمات فرهنگی به حمایت از رهبری زنان مهاجر لاتین می (به صفحه 9 مراجعه شود) و *Líderes Campesinas* پردازد. از طریق آموزش گروه های همتا توسط سازمان هایی نظیر (اعتماد به نفس و مهارت های خود را از طریق *LUNA* (به صفحه 13 مراجعه شود)، اعضای لونا (*Mujeres Unidas y Activas*) یادگیری موضوعات مرتبط با حقوقشان و چگونگی انجام مذاکرات با مؤسسات و ارائه دهندگان خدمات افزایش می دهند. بعد از سپری (قطعاتی طنزآمیز به زبان اسپانیایی به همراه ترجمه آنها طراحی می کنند تا بوسیله آنها *LUNA* کردن آموزش های لازم، اعضای لونا (وضعیت زنان گرفتار روابط خشونت آمیز را نشان دهند. سپس آنها با عرضه این قطعات طنزآمیز به مقامات محلی نظیر اعمال کنندگان قانون، دادستان ها، و ارائه دهندگان خدمات به آنها پیشنهاد می دهند تا با ایجاد تغییر در سیاست ها و رویه های عرفی خود بتوانند کارآمدی بهتری در پاسخ گویی به زنان مهاجر نیازمند داشته باشند که در معرض خشونت و تعارض قرار دارند. حمایت های لونا (سبب ایجاد پل ارتباطی مابین جوامع مهاجر و نظام ها و در نتیجه افزایش اعتماد جوامع به ارائه دهندگان خدمات و مؤسسات *LUNA*) شده است. در همین راستا، مؤسسات و برنامه های خدماتی سیاست ها و رویه های عرفی خود در قبال پاسخ گویی به خانواده های مهاجر (سازمان غیرانتفاعی مستقلی تأسیس کرده اند که خدماتی مستقیم نظیر مشاوره *LUNA* در معرض خشونت را تغییر داده اند. اعضای (به زنان مهاجر قربانی ارائه می دهد. *ESL* درباره خشونت خانگی و برگزاری کلاس های

(، در واقع برنامه *The Initiative for Violence-Free Families* حرکتی پیشگامانه برای داشتن خانواده هایی عاری از خشونت (نیز با تمرکز بر *Minneapolis*) می باشد. برنامه میناپولیس (*Minneapolis* ارائه خدمات به خانواده ها و کودکان در میناپولیس (توسعه رهبری در میان اعضای جوامع درصدد ارتقای سلامت و امنیت خانواده ها و جوامع بوده است. در این برنامه، گروه های ضربت محلات مهارت های ساکنین و سازمان های جوامع را در پیشگیری از کودک آزاری و چشم پوشی از حقوق کودکان، خشونت خانگی، و آمریکایی آموزش می-به مردان آفریقایی) *Northside Action Team* خشونت جوامع افزایش می دهند. مثلاً، گروه ضربت نورتساید (دهند تا بتوانند درباره تبعات اعمال خشونت خانگی به خانواده ها و جوامع صحبت کنند. این روند فرصتی را به این مردان می دهد تا بر در این سیستم ها غالباً نیازهای خانواده -سیستم های رفاهی کودکان تأیید کنند اهمیت توسعه آلترناتیوهای توسعه ای در عدالت جزایی و *Pastor* و جوامع برآورده نمی شوند. این تیم همچنین رهبران دینی را مدنظر قرار می دهد. پاستور لالاهری آدرینیحاجا (در ارتباط با *Jordan New Life Community Church*) از کلیسای جامعه زندگی جدید جردن (*Jordan New Life Community Church*) «حرکت دادن جامعه روحانیت در توسعه راه های جدید مقابله با خشونت خانگی.» هدف از مشارکت دادن کلیساها می گوید:

Close to Home Domestic Violence Prevention حرکت پیشگامانه اقدامات پیشگیرانه در پایان دادن به خشونت خانگی (بستون ماساچوست آغاز شد که در واقع یک کمپین اطلاع رسانی و انسجامی مبتنی بر *Dorchester*) در محله درچستر (*Close to Home Domestic Violence Prevention Initiative*) ساکنین جوامع است که درصدد ایجاد پاسخ مدنی گسترده در پیشگیری از خشونت خانگی می باشد. اهداف این پروژه عبارتند از ظرفیت سازی در خانواده ها، دوستان، و همسایگان در پیشگیری از خشونت خانگی. این حرکت با برپایی جلسات مدنی در محلات، میزبانی از گروه های اعضای جامعه فرصت ابراز عقیده درباره خشونت خانگی و طرح راه حل را ارائه می دهد و با اتخاذ تدابیری از گروه های *King Street* گروه استریت کینگ (ساکنین جوامع می خواهد تا عرف های اجتماعی حامی خشونت خانگی را تغییر دهند. مثلاً، (که شبکه ای متنوع از ساکنین زن است ماهانه اقدام به برپایی مهمانی های خانگی می کند که در آنها هر کس غذای خودش را (*King Street Group*) صحبت کنند. آنها *Dorchester* می آورد و افراد می توانند با یکدیگر درباره اقدامات پیشگیری از خشونت خانگی در منطقه درچستر (، شیوه صحبت با افراد در معرض خشونت خانگی را تعلیم می دهند و در کنار این اقدام، مواردی از برنامه های «نکات آموزشی» با ایجاد و اطلاع رسانی درباره خشونت خانوادگی و نحوه پیشگیری و موسیقی، هنری، فعالیت های مرتبط با کودکان، خدمات غذایی، پاسخگویی به آن را ارائه می دهند.

ساکنین جامعه اقدام به شناسایی و اجرای حرکت پیشگامانه بسیج (*Germantown*، فیلادلفیا، در منطقه جرمن تان (در سال 1998،

Queen Lane Domestic Violence Community Mobilization (FVVPF) «فیلادلفیا: بیا به خشونت خانگی پایان دهیم.» با عنوان FVVPF) کردند. این حرکت به نوعی بخشی از کمپین متعلق به Initiative (است که در آن مشارکتی فی مابین سازمان خدماتی چند منظوره "Philadelphia: Let's Stop Domestic Violence" (FVVPF's) و گروه کوچکی از زنان آموزش دهنده مسائل مرتبط به آیدز و شیوع آن با عنوان Germantown Settlement جرمن تان ستلمنت (، و یک گروه محلی ارائه دهنده خانه های پناهگاهی به قربانیان خشونت خانگی با عنوان زنان علیه خشونت WISDOM ویزدوم (، بوجود آمد. در این حرکت تعداد 15 زن در گروه های هسته ای از پروژه های مسکونی منطقه کوئین (Women Against Abuse) به عنوان رهبران همتاجذب و آموزش دیدند. این زنان با هدف یادگیری اثرات خشونت Queen Lane Housing Project لاین (خانگی از مردم اقدام به مطالعه و بررسی جامعه و ارائه نظرات خود کردند. سپس اقدام به آموزش و ایجاد برنامه ای جامع در قبال خشونت در واقع ما در حالی که بر گه های) (یکی از سازماندهندگان این اجتماع می گوید: Yvonne Andrews خانگی کردند. یون آندرو (نظرسنجی و تخته های طراحی خود را به دست داشتیم به دل جامعه رفتیم تا نظرات مردم درباره خشونت خانگی را جویا شویم. ما همه جا گام بعدی در این «از خواربارفروشی گرفته تا خشک شویی در واقع هر جا که فکر می کردیم مردم تمایل به صحبت کردن داشتند، رفتیم. برنامه عبارت است از برگزاری ماهانه جلسات گروه های تحت رهبری ساکنین که در آن به زنان در برخورد با خشونت، فعالیت جوانان، و مرتبط است، کمک می شود. افزایش رهبران جوامع سبب ایجاد نوعی حس تعلق «همه افراد» اطلاع رسانی عمومی این پیام که تعرض به می شود که می تواند تأثیری دگرگون کننده در زندگی زنان داشته باشد و با از بین بردن دور خشونت و انزوای ناشی از آن منجر به ایجاد فرصت هایی جدید برای آموزش و مشارکت دادن افراد دیگر در جامعه گردد.

در واقع ما در حالی که بر گه های نظرسنجی و تخته های طراحی خود را به دست داشتیم به دل جامعه رفتیم تا نظرات مردم درباره خشونت خانگی را جویا شویم. ما همه جا از خواربارفروشی گرفته تا خشک شویی در واقع هر جا که فکر می کردیم مردم تمایل به صحبت کردن داشتند، رفتیم.»

(Yvonne Andrews یون آندرو)

سازمان دهنده جوامع

Queen Lane Domestic Violence Community حرکت پیشگامانه بسیج کردن جامعه کوئین لاین بر علیه خشونت خانگی (FVVPF's Mobilization Initiative)، فیلادلفیا

نقاط قوت و چالش های ایجاد شبکه ای از رهبران در جوامع:

- این رویکر اطلاعات و مهارت های لازمه جهت مشارکت در پیشگیری از خشونت خانوادگی را به رهبران و نگهبانان جوامع عارائه می دهد.
- این رویکرد اعضای جوامع را در ارزیابی واقعیت ها و ارائه نقطه نظرات مهم و برنامه ریزی عملیاتی مشارکت می دهد.
- این رویکرد فرصتی برای یادگیری مهارت های جدید و استفاده از آنها در زندگی شخصی و اجتماعی ایجاد می کند.
- رهبران گاهاً دچار فشار زیاد کاری هستند یا درگیر انجام کارهای دیگری برای سایر سازمان ها می باشند. هدف و چالش مورد نظر توسعه گروهی از رهبران بدون اتکای بیش از حد به اشخاص می باشد.

5. پاسخگو کردن مراکز ارائه خدمات و مؤسسات در قبال نیازهای جوامع

تغییر در مکان های تجمع جوامع غالباً از ساکنین جوامع و توسط آنها شکل می گیرد، چراکه این افراد نخستین گروه آشنا به این مشکلات و راه حل های محتمل آنها هستند. البته ایجاد تغییر پایدار نیز نیازمند مشارکت مؤسسات و نهادهای دولتی بوده که حامی و مراقب رسمی خانواده ها، کودکان، و جوامع می باشند. تعامل با سازمان های مردمی و به کارگیری مددکاران در محلات به سادگی در سیستم های سنتی ارائه خدمات اجتماعی صورت نمی گیرد. البته مقامات دولتی و محلی نسبت به این امر که خانواده ها در صورت مشارکت جوامع «سیستم دولتی» ایمن تر هستند، به یک شناخت روزافزونی دست یافته اند. از طرف دیگر، در برخی از جوامع نیز نسبت عدم خصومت شناخت روزافزونی شکل گرفته است.

مورد نظرسنجی و مطالعه قرار گرفت مشکلات خشونت خانگی و کودک آزاری در یک سیستم FVVPF در تعدادی از اقداماتی که توسط اعضای جامعه محور، ارائه دهندگان خدمات، مؤسسات، و-محور ترکیب کننده سازمان های جامعه -در یک رویکرد جامعه مقطعی، و علی رغم این واقعیت که این سازمان ها غالباً با خانواده های مشابه های کار می کردند اما با یکدیگر تعامل و بررسی شد. در گذشته، همکاری نداشتند.

در اتوموا آیوابه عنوان یک گروه حمایتی با رهبری همتا برای زنان معتاد به مواد مخدرآغاز شد، این زنان Moms Off Meth/ M.O.M معتاد با خطر از دست دادن فرزندان خود برای انتقال به مراکز شبانه روزی نگهداری از کودکان مواجه بودند (و یا فرزندان برخی نیز به این مراکز داده شد بود). این گروه با تمرکز بر کل زندگی زنان تجربه های آنها را در مواجهه با خشونت خانگی یا تعرض جنسی بررسی می کند

و درصدد شناخت ارتباط این مسائل با چگونگی پرورش کودکان توسط وی، اعتیاد وی، خویشتن شناسی وی، و فرصت های اقتصادی و می باشد. این گروه همچنین درباره مواردی مانند رفاه کودکان، M.O.M. تحصیلی وی می باشد. بنابراین توانبخشی یکی از نتایج کاری دادگاه های خانواده و سیستم های زندان ها کار می کند که خود این موارد منجر به بروز تغییراتی در واکنش سیستم ها می شود. در نتیجه گزارشات خود را به دادگاه ارائه، هم اکنون زنان می توانند در کلیه انواع خدمات مفید برای خود ابراز نظر کنند، M.O.M. حمایت های ما به کمیته خدمات انسانی قوه مقننه کشور M.O.M. و و به سایر اعضا در جلسات دادرسی دادگاه ها کمک کنند. ضمناً، اعضای دهند، مبارزه آنها با اعتیاد را به اشتراک و اتحادیه مأموران دولتی پیشگیری دلیل و گواهی ارائه می دهند و تجربیات زنان در معرض خشونت، و موانعی که در سیستم های ارائه دهنده خدمات انسانی مانع دستیابی کنترل مجدد زندگی آنها می شود را شناسایی می کنند. می گذارد،

که به سال 1990 آغاز شد در واقع فرصت هایی را برای مهاجران لاتین سن فرانسیسکو برای حمایت از Mujeres Unidas u Activas خودشان و خانواده هایشان با ایجاد استقلال، رهبری، و قدرت سیاسی فراهم می کند. این سازمان رهبرانی را ارتقاء می هد که به همتایان Mujeres Unidas خود درباره حقوق و خدمات موجود مخصوصاً درباره مسائل مربوط به خشونت خانگی آموزش می دهند. اعضای غالباً در برابر سیاست گذاران ظاهر بوده و در حصول اطمینان نسبت به حمایت از زنان مهاجر در قانون برجسته فدرال خشونت علیه زنان مورخ 1994 فعال می باشند.

در وارویک جزیره Sisters Overcoming Abusive Relationships (SOAR) حرکت خواهران مبارز علیه روابط خشونت آمیز () به سال 1989 از یک گروه حمایت کننده از زنان قربانی که درصدد یافتن اقدامی عملی بودند آغاز شد. این گروه به Rhodé روده () تبدیل خود به یک تلاش مردمی سازمانده درصدد ارتقا شرایط، حمایت و کار علیه خشونت خانگی و تغییر سیستم دادگاه خانواده جزیره () یک سیستم الزامی قضاوت جهت پیروی از دستورالعمل های ویژه در تعیین حق Rhodé در جزیره روده () برآمد. اخیراً، Rhodé روده () نفره-100 که هم اکنون یک گروه ضربتی SOAR حضانت کودک و حقوق دسترسی در پرونده های خشونت خانگی به تصویب رسید. در ائتلاف علیه خشونت خانگی است در توسعه دستورالعمل ها، صحبت با نمایندگان درباره توصیه های دستورالعمل ها و ارائه گواهی در اعضای Community Connections جلسات دادرسی درباره قانون نقش ابزاری داشته است. در سراسر ماساچوست، ائتلاف های جوامع و والدین را در کنار نمایندگان مؤسسات رفاه کودک، برنامه های علیه خشونت خانگی، و سایر ارائه دهندگان خدمات گرد هم ایجاد جوامع سالم به وجود آوردند. محور در کاهش کودک آزاری، حمایت از پرورش خانواده ها و-آوردند تا شبکه هایی محله یک حرکت پیشگامانه است که به سال 1994 در دپارتمان خدمات اجتماعی ماساچوست در پاسخ به Community Connections قانون فدرال حمایت و حفظ خانواده مورخ 1993 آغاز شد. با اعتقاد به این باور که مد اخله رسمی همواره بهترین راه حل بوده و خانواده ها به عنوان بهترین منابع در انجام برنامه ریزی ها می باشند، ائتلاف ها از طریق مجموعه حمایتی از اصول عرفی عملیاتی مورد راهنمایی قرار می گیرند که تأیید کننده ارتباط بین اعضای جوامع با خانواده ها بوده تا به این شکل حمایت و کمک های دوجانبه و هماهنگی های مابین منابع موجود در تأمین بهتر نیازهای خانواده فراهم شود. از جمله این موارد عبارتند از توسعه گروه های حمایتی از والدین، توزیع البسه، ملاقات های خانگی انجام شده توسط اعضای مؤسسات، مراکز مشاوره ای خیریه ارائه دهنده مراقبت های انعطاف پذیر از کودکان، خدمات اطلاعاتی و ارجاعی، کلاس های آموزش زبان انگلیسی ویژه بزرگسالان، برنامه های فوق آموزشی برای جوانان که در آن فعالیت های تعلیمی و ساختاری ارائه می شوند. این ائتلاف ها به عنوان پل ارتباطی بین مؤسسات دولتی رفاه کودکان و منابع اطلاعاتی در جوامع برای آن گروه از خانواده هایی عمل می کنند که احتمالاً دیگر نیاز به مشارکت مؤسسات رسمی دولتی ندارند. برخی از این ائتلاف ها کمپین های آموزشی عمومی ویژه ای در ارتباط با کودک آزاری توسعه می دهند و به والدین در موضوعات گسترده ای آموزش می دهند که عبارتند از خشونت خانگی، کودک آزاری، و تشویق جامعه به اقدام عملی نظیر چگونگی ارائه موضوعات مورد دغدغه به شهرداری ها. با حفظ حداقل 51 درصد ساکنین در هیأت های مدیره ائتلاف ها، این ائتلاف ها تضمین کننده شنیده شدن صدای جوامع بوده چراکه در آنها مسائل کلیدی شناسایی و استراتژی هایی جهت بررسی آنها در جوامع خاص توسعه داده می شود.

نقاط قوت و چالش های پاسخ گو کردن مراکز ارائه خدمات و مؤسسات در قبال نیازهای جوامع:

- این رویکرد نوعی صدای رسا از قربانیان مستقیم خشونت برای ایجاد تغییرات اجتماعی ایجاد می کند.
- این رویکرد ارتقاء دهنده توانمندسازی و توسعه رهبری است.
- این رویکرد مؤسسات را درگیر بحث های سازنده با اعضای جامعه درباره چگونگی انجام و بررسی پرونده ها می کند.
- یکی از چالش های موجود در این روند، پیدا کردن افراد در مؤسسات رسمی یا سیستم های ارائه دهنده خدمات است که تمایل به گذاشتن وقت و تغییر سیستم های خود داشته باشند، این چالش زمانی نمایان تر می شود که ظاهراً چنین اقداماتی به حجم کار پرسنل می افزاید.
- همچنین خطر مشارکت دادن حداقلی اعضای جوامع تا مشارکت دادن کامل آن در ساختار رهبری و فرآیندهای تصمیم سازی وجود دارد.
- از آنجایی که هنوز سیستم های خدمات اجتماعی همواره ساکنین جوامع را به عنوان رهبران و همکاران مورد پذیرش قبول نداده اند، در این رویکرد خطر عدم پذیرش آنها وجود دارد که البته آنها خود امیدوار به تغییر دادن آن هستند.
- مجموعه اقدامات اصلی کارکردن در جوامع
- انجام ملاقات و مصاحبه ها با افراد درگیر با رهبران و ساکنین جوامع و کلیه افراد درگیر در این برنامه ها نکات راهنمایی زیادی را برای

- کار کردن در و با این جوامع در پیشگیری از خشونت خانگی ارائه داد. این مجموعه نکات عملیاتی شامل ایجاد ائتلاف، همکاری ها، به رسمیت شناختن ارزش های فرهنگی، ارتباطات و غیره می باشد. این موارد بازتاب کننده دشواری جریان کاری سازمان های درگیر با می باشد. توصیه هایی در ذیل ارائه می شود: مسائلی نظیر فقر شدید، بی کاری، اعتیاد به مواد مخدور، و خشونت خانگی باید به اعضای جوامع کمک شود تا خشونت خانگی را به عنوان یک اولویت در نظر بگیرند. اعضای جوامع درگیرهای ذهنی زیادی دارند. آنها بیشتر تمایل به بحث درباره مواد فروشان و خشونت در سطح جامعه دارند تا اقدام به بحث درباره خشونت خانگی که اغلب به برای صحبت کردن و اقدام «اجازه» عنوان مسأله ای خصوصی در نظر گرفته می شود. اما زمانی که خانواده ها احساس کنند دارای مطمئن در قبال آن هستند، آنگاه آنها شروع به ایجاد ارتباطات قدرتمند مابین خشونت در خانه و سایر مشکلات دردمساز جامعه می کنند. سازمان ها می توانند یک محفل مطمئن برای بحث خانواده ها درباره اثرات خشونت خانگی در جامعه در سطح کل و امنیت و رفاه افراد، ارتباط بین خشونت خانگی و جامعه، محبوس کردن نظرات، افزایش فقر و تربیت فرزندان بی پدر، خطرات خشونت خانگی در صورت بروز به صحن جامعه نظیر محیط کار و غیره ایجاد کنند.
- باید به ساکنین جوامع محلی کمک شود تا با مسأله خشونت خانگی به گونی برخورد کنند که افراد ضارب و قربانی آن را با استفاده از بی آبرو نکنند. این مهم روندهای عادی جوامع را ارتقا می دهد و شرایط را برای صحبت خانواده ها «قربانی» و «ضارب» الفاظی نظیر درباره خشونت خانوادگی و مداخله افراد برای مواجهه با خطر فراهم می کند.
 - در مسائل مربوط به خشونت خانگی مردان غالباً احساس مقصربودن، و «دعوت کنید اما علیه آنها جرمی صادر نکنید.» مردان جوامع را دارای حس تدافعی و انزوا هستند. برخی بر این باورند که سیستم های خدماتی جامعه به نفع زنان بوده و در قبال مردان تنبیهی می باشند، مخصوصاً در قبال مردان رنگین پوست تهی دست. مقصربنمیدن یا مقصرفرض کردن کلیه مردان وارد کردن آنها به انجام مذاکره و گفتگو را دشوار می کند. لذا این امر حائز اهمیت است که در بسیج کردن جوامع ادبیات و چارچوبی ایجاد شود که از مردان استقبال شود و آنها به عنوان مهمترین رسولان پیام های علیه خشونت برای سایر مردان و پسران در نظر گرفته شوند.
 - به خاطر داشته باشید که کار واقعی بسیج کردن جوامع از بافت فرهنگی آنها آغاز می شود. تلاش ها جهت مواجهه با کودک آزاری و خشونت خانگی باید با آداب فرهنگی آن جامعه منطبق باشد و نیاز همیشگی به محافظت از جوامع در برابر فشارهای خارجی محتمل خصمانه در آن در نظر گرفته شود. هنگامی که شیوه ها و اهداف برنامه ها را خریداری می کنید، در واقع به صدای جامعه که بازتابی از سنت ها و دیدگاه های فرهنگی آن است، گوش می دهید. برنامه هایی که توسط افراد غیرمرتبط و ناآگاه ایجاد می شود شانس موفقیت کمتری دارند.
 - باید محور در پاسخگو کردن مقصران در پایان دادن به خشونت کمک کرد- باید به ساکنین در شناسایی شیوه های جدید جامعه استراتژی هایی طراحی شوند که خیلی به سیستم های رفاه کودک یا عدالت کیفری اتکا نداشته باشند. اجبار جوامع به قرار گرفتن در معرض خدمات اجتماعی نامطلوب یا مجازات های عدالت کیفری می تواند سبب تحریک مقاومت یا حتی دشمنی آنها شود. این امر در جوامع رنگین پوست یا مهاجر، اطلاع رسانی به پلیس مخصوصاً زمانی درست است که راه حل هایی عملیاتی ارائه نمی شود. مثلاً، به نظر بازماندگان خشونت راه حلی قابل قبول نیست؛ این افراد بیم آن را دارند که اعمال قانون منجر به حبس، تبعید، یا انتقال که در آنها هم فرد ضارب و هم قربانی هر دو فرزندانشان به مراکز شبانه روزی نگهداری از کودکان می شود. در میان افراد همجنس باز، از یک جنسیت بوده و دارای جوامع غالباً کوچکتری هستند، دارای دشواری های ویژه ای هستند. این امر ضروری است تا یک جامعه چگونگی پاسخگو کردن مقصران در پایان دادن به خشونت را شناسایی کند و این امر باید به گونه ای صورت گیرد تا موانع واقعی یا محتمل افشاگری و مداخله در نظر گرفته شوند.
 - تلفیق فعالیت های مرتبط با خشونت خانگی در روند زندگی عادی جوامع. اقدام به صحبت درباره خشونت خانگی در رویدادهای عادی جامعه نظیر نمایشگاه های بهداشتی، گردهمایی ها و مهمانی های منطقه ای، اردوهای بازگشت به دوران مدرسه (جلسات گردهمایی و پیش از شروع مدارس)، کلاس های آموزش زبان انگلیسی و غیره. معارفه ظرفیت سازی افراد برای پذیرش مداخله دوستان و خانواده. توانمندسازی افراد با در اختیار گذاشتن اطلاعات، ابزار و منابعی که به آنها جهت کمک به قربانیان و ضاربان خشونت کمک می کند، عاملی مهم در مشارکت دادن جوامع است. همانطور که قربانیان و مرتکبان این امر مهم است که سازمان ها چگونگی پاسخ دهی به آنها و شیوه خشونت با داشتن احساس امنیت کافی خشم خود را بروز می دهند، ارجاع دهی مناسب آنها برای دریافت کمک را بدانند.
 - پرکردن شکاف بین ارائه دهندگان خدمات اجتماعی و جوامعی که به آن خدمات ارائه می دهند. مؤسسات می توانند با توقف خشونت با مشارکت در خانگی به طرق مختلف نظیر ارائه منابع، پشتیبانی و استقرار مددکاران در محلات در مشارکت دادن جوامع تلاش کنند، چنین سطحی، ارائه دندگان بیشتر و بهتر می توانند نیازهای خانواده ها را شناسایی و برنامه های خود را براساس آن تطبیق دهند.
 - درک این موضوع که مردم به افراد مورد اعتماد خود گوش می دهند. چنین اعتمادی می تواند در نتیجه داشتن پیشینه مشترک، داشتن تجارب مشترک و یا داشتن کار مشترک باشد. در مشارکت دادن جوامع، لازم است ساختارهای فعلی جوامع یا رهبران مورد اعتماد مردم مشارکت داده شوند و در واقع حضوری مستمر و باثبات داشته باشند. اعضای جوامع به حق نگران برنامه های پیشگامانه ای هستند توسط افراد غیرمرتبط و ناآگاه طراحی می شوند. «کشف شده» «مشکل» ترین که برای حل تازه

نتیجه گیری

مشارکت جامعه در پایان دادن به خشونت خانوادگی امری پیچیده است اما تغییر جوامع در ابعاد کوچک، خانواده ها، به صورت گام به گام حادث می شود. سازمان های مذکور در این مطالعه صریحاً بیان می کنند که خشونت خانوادگی در خلأ حادث نمی شود بلکه راه حل

های جوامع باید بازتاب کننده بعد کامل مسائل و دغدغه های جوامع باشند. اقدام مشترک با ساکنین می تواند حامیان تغییرات اجتماعی را تشویق به ارائه رویکردهایی جدید و خلاقانه نماید چراکه آنها می توانند با کشف روش های لازم در ایجاد جوامع سالم کمک کنند؛ جوامعی که دارای روح هستند؛ جوامعی که در آن جوامعی که مردم خواهان زندگی در آن هستند، جوامعی که در آنها اشتغال وجود دارد، خانواده های می دانند کی و چگونه کمک بخواهند.

خشونت در سطح محلی حادث می شود و این یعنی چه جایی باید تغییر کند و چه جایی باید در طول زمان ثابت بماند. موفق ترین پروژه صورت می گیرد شامل مشارکت مردم در کلیه مراحل کار از شناخت مشکل و بسط کلام FVPPF های پیمایشی مرتبط با جامعه که توسط تا توسعه مداخله ها و اجرای استراتژی های تغییر می شود. سازمان های درگیر در این قبیل کارها می دانند که مشارکت اعضای جوامع در حل مشکلات نوعی حس تعلق خاطر برای آنها بوجود می آورد. در نظر این سازمان ها همچنین تعامل با سیستم هایی که با پاسخگویی به و سیستم ها را در قبال تغییر روندهای عرفی پاسخگو می دانند دارای اهمیت است. - خشونت خانگی تغییر می کنند

فرآیند مشارکت دادن همزمان جامعه در قبال کودک آزاری و خشونت خانگی نیازمند وقت، منابع، و صبر زیاد است اما مزایای محتمل ناشی از آن فوق العاده است. وقتی راه حل ها از دل جامعه باشند آنگاه تغییرات به دست آمده بلند مدت شده و تصویری واقعی از منابع، آداب و رسوم، نیازها، و اهداف جامعه نشان می دهند.

خط یک دو سه و اما و اگرهای بسیار



عکس: [behzisti](#)

روزنامه نگار - ماهرخ غلامحسین پور

حدود هفت سال پیش دوست خبرنگارم از یکی از شهرهای جنوبی برای پیگیری یک کار اداری، به تهران آمده بود. خودش و پسرک سه ساله اش، خانه ما ساکن شدند، پسرک نا آرام و بی قرار بود، به همه چیز کار داشت و هر چیزی دم دستش بود یا می خورد زمین و خاکشیر می شد یا به سرعت با دست های من و مادرش مابین زمین و آسمان نجات داده شده و رستگار می شد. اعتراف می کنم تحمل غرغر و نق نق روز سوم اقامتشان وقتی بچه «کودکان دشوار» گویندها می اش چیزی ورای طاقت آدمی بود. از آن کودکانی که به آن وقفه های بی کردن ظرف شیر را روی قالیچه دست بافت خانه سرریز کرد شاهد اتفاقی بودم که هنوز هم بعد از گذر این همه سال نتوانسته ام درکش کنم، خانم روزنامه نگاری که مدام در مورد حقوق کودکان می نوشت در یک شرایط برافروخته و عصبی بچه اش را با خشونت به باد کتک گرفت، تا من شگفتی اولیه را پشت سر بگذارم و خودم را برای نجات کودک به دل معرکه برسانم، تن نحیف کودک، چندین چک و تو گوشی دلخراش را تحمل کرده بود، بچه را از زیر دست و پای مادر عصبی و برافروخته ای که خودش هم بابت بی تابی های کودک به مرز جنون دادم و بحث آزاررسانی به کودکان و تلفن ها من به عنوان خبرنگار ایرنا، حوزه بهزیستی را پوشش می همان روز رسیده بود نجات دادم، امداد رسانی ۳۲۱، از مباحث روز بود، من به تلفن اورژانس اجتماعی زنگ نزد، اما با دوستم مشاجره کردم، فردای آن روز او خانه مرا ترک کرد و آن دیدار آخر ما شد. نمیدانم پس از آن پسرک چندین بار دیگر در آن لحظه های برافروختگی مادرش کتک خورده است، خودم هم اعتراف می کنم گاهی وقتی درمانده می شوم انگشت اشاره به سمت کودکم تکان می دهم و داد و فریاد راه می اندازم و البته بعد از آن با به یادآوری ترس هایش شرمناک انسان درونم می شوم اما باور این حقیقت تلخ لازم است که مسلما بیشترین آزاررسانان کودک، والدین ناآگاه یا حتی مراقبین کاملاً آگاه اما آشفته و عصبی هستند و بیشترین درصد آزار کودکان توسط والدینی اعمال می شود که خود را مالک مطلق کودک تلقی کرده و انجام هر نوع رفتار خشونت آمیزی را حق خودشان می دانند.

سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده است، سالانه بیش از 250 میلیون کودک در جهان مورد آزار جسمی قرار می‌گیرند، کودکانی که قادر های قانونی در شناختی از حق و حقوق خودشان ندارند و گاهی طبق عرف و سنت و حتی نارسایی به دفاع از خود نیستند و کمترین کشورهای جهان سوم، جزء مایملک پدر و مادر محسوب می‌شوند.

([ایرنا سوم تیر 1393](#)) دهمچنین مرگ بیش از یک میلیون و ۰۴۳ هزار کودک در جهان به علت خشونت و آزار رخ می

شاید بابت همه این دشواری هاست که راه اندازی اورژانس اجتماعی در ایران می‌تواند برای کودکان در معرض آسیب یک روزنه به سوی استانداردهای طبیعی‌تر زندگی باشد.

شما به خط ۳۲۱ مرکز اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی تماس» گوید: گیرم صدای آرام زنی در آن سوی خط می‌شماره ۳۲۱ را که می‌گرفته‌اید، خدمات این خط درباره کودک آزاری و سایر خشونت‌های خانگی است لطفاً چند دقیقه صبر کنید تا ارتباط شما با کارشناس «مربوطه برقرار شود.

برقراری خطوط تلفن اورژانس اجتماعی سالهاست در کشورهای پیشرفته به عنوان یک راه حل موقتی برای کاهش پیامدهای کودک آزاری مورد استفاده قرار می‌گیرد و سابقه‌ای طولانی دارد.

اما در ایران اولین مرکز اورژانس اجتماعی در سال ۸۷۳۱ در هشت استان کشور راه اندازی شد، گرچه در ابتدا شماره این مرکز سه رقمی نبود و همین مساله مردم را به دردمر می‌انداخت اما از سال ۳۸۳۱ شماره مرکز اورژانس اجتماعی به شماره ۳۲۱ تبدیل شد، شماره‌ای که پیش از آن به اورژانس فوریت‌های پزشکی اختصاص داشت.

انتخاب شماره سه رقمی ۳۲۱ انتخاب هوشمندانه‌ای بود برای آنکه به خاطر سپردن آن برای کودکان دشوار نیست.

اورژانس اجتماعی در روزهای نخست راه اندازی با حداقل اعتبار مشغول به کار شد و خودروهایش در آن روزها، خودروهای متفرقه سازمان بهزیستی بودند. اما نخستین بار در سال ۷۸۳۱ در محل نمایشگاه بین المللی تهران ۰۵ خودروی اورژانس اجتماعی به نمایش گذاشته و استفاده از آنها آغاز شد، اگر چه از ابتدا شروع این طرح پیش بینی شده بود که حداقل به ۰۰۷ خودروی ون برای به سامان رساندن آن مورد نیاز است.

در میان آن هشت استان کشور اولین مرکز اورژانس اجتماعی نیز در شهر یزد راه اندازی شد و وزارت تعاون، وزارت کار و رفاه اجتماعی و سازمان بهزیستی نخستین مجریان این طرح بودند.

اگر چه علاوه بر وزارتخانه‌هایی که نامشان گفته شد و بر اساس ماده چهار لایحه فوریت‌های اجتماعی، دستگاه‌های مختلفی همچون وزارتخانه بهداشت، ارتباطات و فناوری، دادگستری، وزارت کشور، راه و شهرسازی و وزارت خانه رفاه و تعاون نیز مکلف شدند تا هماهنگی‌های لازم را با سازمان بهزیستی کشور انجام دهند.

این اورژانس با هدف کاهش آسیب‌های اجتماعی و بر پایه اصول مداخله در بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی شامل خط تلفن اورژانس (۳۲۱)، تیم اورژانس اجتماعی سیار شامل روانشناس و مددکار همچنین پایگاه‌های ثابت خدمات اجتماعی بود.

به هر حال راه اندازی شماره ۳۲۱ گام مثبتی برای حل مشکلات کودکان آسیب دیده و شناسایی آنان به شمار می‌رود. و اگر چه این طرح اندکی دیر به مرحله اجرا رسید اما علی‌رغم همه کاستی‌هایش و حتی اگر آن را کاریکاتوری از همه آن چیزی بدانیم که امروزه در کشورهای پیشرفته مرسوم است، باز هم گام مثبتی به سوی ساختن دنیای بهتری برای کودکان است.

تلفن ۳۲۱ گر چه فقط در حوزه کودک آزاری فعال نیست و حوزه‌هایی به مراتب گسترده‌تر از مسئله کودکان دارد اما فعالیتش به خصوص در مورد پدیده کودک آزاری و شناسایی کودکان آسیب دیده موثر است چرا که کودکان قادر به حمایت از حقوق انسانی خود نیستند، آنان ضعیف و ناتوان و آسیب پذیرند و فعالیت اورژانس اجتماعی می‌تواند از میزان ضربه‌هایی که به بدن نحیف آنان وارد می‌شود بکاهد. چرا که مداخلات اجتماعی، کارکردی تخصصی و به موقع دارند و پیش از مداخلات قضایی و انتظامی عمل می‌کنند.

دیگر گروه‌های هدف این تلفن امداد رسان شامل زنان آسیب دیده، مهاجران حاشیه شهرها، نوجوانان تحت فشار، آنانی که با مشکلات جنسی یا عاطفی مواجه بوده یا در آستانه طلاق هستند، دختران فراری، افراد در معرض اعتیاد، معلولان در معرض آسیب و آزار، سالمند آزاری، مبتلایان به اختلال هویت جنسی، بی‌خانمان‌ها، کودکان کار و خیابان، معضل خودکشی و همچنین مشکلات آسیب رسانی به بیماران روانی نیز بخش‌های دیگری از حوزه فعالیت 123 هستند.

امسال پانزدهمین سال اجرایی کردن این طرح است و بیش از دو هزار و ۰۰۵ نفر در ۰۹۱ پایگاه خدمات اورژانس اجتماعی مشغول به کارند و در سال پیش از ۵۲ هزار مورد مداخله در سراسر کشور ثبت شده است. (سایت سازمان بهزیستی)

اما سوال اینجاست که چرا علی رغم همه تلاش‌های انجام شده و بودجه صرف شده این خط هنوز نتوانسته جایگاهی مانند خط ۰۱۱ در بین افکار عمومی پیدا کند؟

مواجهه می‌شود با مقابله مواد قانونی مداخله مددکاران گاهی

یک کارشناس رشته مددکاری اجتماعی که در خط تلفن ۳۲۱ تهران مشغول به فعالیت است در این باره به خبرنگار خانه امن می‌گوید آنچه که مانع آزادی عمل مددکاران اجتماعی در حمایت از کودکان آسیب دیده است، مفاد قانون است که به پدر و مادر به عنوان مالک مطلق کودک نگاه می‌کند.

گوید: یکی از ایرادات جدی این طرح این است که برای ورود به خانه گزارش شده نیاز به حکم قضایی است و گاهی می‌«نسرین. م» ممکن است به دلیل ناهماهنگی‌هایی که بین سازمان بهزیستی و مرجع قضایی وجود دارد، گرفتن حکم ورود به خانه گزارش شده مستلزم صرف زمانی چند روزه و حتی گاهی چند هفته‌ای باشد و همین مدت زمان کافی است تا کودک، در معرض آسیب‌ها و کشمکش‌های جبران ناپذیر دیگری قرار بگیرد.

او با اشاره به اینکه تازه بعد از نجات کودک از دست آسیب رسان، شروع فصل در به دری است می‌افزاید: ممکن است کودک را با مداخله قضایی از خانواده بگیرند و به مراکز نگهداری ارجاع دهند اما به خاطر کمبود اعتبار و نارسایی‌های قانونی، بهزیستی موظف است ضمن آموزش خانواده و مناسب سازی شرایط آنجا، کودک را به خانواده برگرداند اما در واقع این مهم نادیده گرفته شده که آنچه که ریشه همه نابسامانی‌های خانواده است همچون فقر و اعتیاد کماکان به قوت و قدرت خود باقی است و بعد از مدت زمان کوتاهی که آب‌ها از آسیاب افتاد باز هم کودک در شرایط مشابه گذشته قرار می‌گیرد.

او به این نکته اشاره می‌کند که غالباً مددکاران بهزیستی تلاش می‌کنند با شیوه‌های دل‌جویانه و اظهار همدردی، با والدین آسیب رسان وارد مذاکره شوند تا کار به شکستن قفل و مداخله قضایی نیانجامد.

او تأکید می‌کند که پیگیری شرایط کودک بعد از بازگرداندنش به خانواده مهم است و نباید تصور کرد که همه چیز به خیر و خوشی ختم به خیر شده و کودک را فراموش کنیم.

نسرین به مشکلات عدیده مددکاران اشاره کرده می‌افزاید: گاهی اوقات ممکن است والدین از کارکنان مرکز اورژانس اقامه دعوا کرده و رها نکند. از آنان به قوه قضاییه شکایت کنند و بر عهده بهزیستی است که در این شرایط مددکارش را بدون حمایت

او با تأکید بر اینکه مشکلات این مراکز یک یا دو مشکل نیست به وجه دیگری از مشکلات اورژانس اجتماعی اشاره می‌کند و می‌گوید: برخی مراکز اورژانس اجتماعی که در روزهای نخست با هیاهوی بسیار توسط سازمان بهزیستی افتتاح شدند در طول مسیر کار به علت کمبود بودجه برچیده شدند.

این مددکار اجتماعی بر این باور است که وقتی صحبت از خدمات سرپایی و نگهداری موقت است مراکز اورژانس ما مشکلی ندارند و می‌توانند کمک فوری و موردی و مشاوره بدهند و حتی کارآمد و موثر باشند. اما برای خدمات دهی دراز مدت با اما و اگرهای بسیار مواجه‌اند.

او از اینکه قوانین حمایت گرانه در ایران غالباً با والدین آزاررسان مماشات و همدلی می‌کند و با دیده اغماض آن‌ها را می‌بخشد، اظهار تأسف می‌کند و می‌افزاید: بهزیستی یک سازمان اجرایی نیست یعنی دستش کاملاً برای اجرا باز نیست. غالباً با کمبود بودجه و اعتبار مواجه است و به همین دلیل هم طرح‌هایش نیمه تمام باقی می‌ماند.

کودکان آسیب دیده را معرفی کنیم

غالباً به سه شکل افراد در معرض آسیب به مراکز اورژانس اجتماعی معرفی می‌شوند، به شکل خود معرف، توسط دوستان و همسایگان یا توسط مراجع قضایی.

اما بیشترین سهم اطلاع دهی مشمول خشونت‌های فیزیکی می‌شود، خشونت‌ی که نماد بیرونی دارد و در معرض دید است و عمده تماس گیرندگان نیز از همسایگان یا افرادی هستند که به طور اتفاقی بروز خشونت را مشاهده می‌کنند.

تعدد ارگان‌های موازی

گوید محاسن مرکز اورژانس اجتماعی زیاد است اما متأسفانه شناس ارشد مددکاری شاغل در سازمان بهزیستی می، کار «ناهد امیرناصری» هنوز هم فرهنگ بهره‌بری از این سیستم در میان آحاد مردم جا نیافتاده و فعالیت ارگان‌های موازی بهزیستی همچون پلیس ۰۱۱ و ۷۳۱

شهرداری در کار اوژانس اجتماعی که تخصصی است، به نوعی مداخله ایجاد می‌کند.

امیرناصری می‌گوید اگر کودکی مورد آزار قرار بگیرد و والدین آزاررسان مانع مداخله اوژانس بشوند از طریق مراجع قضایی حکم می‌گیرند و با پدر برخورد می‌کنند و اگر سطح آزاررسانی بالا باشد و والدین مقصر باشند ممکن است از والدین سلب حضانت کنند.

او از موازی کاری شهرداری و نیروی انتظامی، عدم قانون حمایت‌گر و نیز بی‌اطلاعی مردم در مورد کارکرد این اوژانس به عنوان مشکلات و موانع آن نام می‌برد.

چگونه به خانواده ام بگویم ایدز دارم؟



عکس: [shelleytree](#)

مددکار اجتماعی - مژگان میراشرفی

می‌گوید، اش و اهل یکی از کشورهای آمریکای جنوبی است که با وجود تحمل سختی‌های بسیاری در طول زندگی آنجلا ۵۴ ساله « بوده است. او به فرزندان و خانواده اش؛ سخت‌ترین و تلخ‌ترین لحظه زندگی "اچ. ای. وی" بازگو کردن خبر ابتلا به ویروس

آنجلا بارها و بارها از سن ۹ سالگی مورد سوء استفاده جنسی و تجاوز قرار گرفته است. مادرش به مواد مخدر اعتیاد داشته و از زمانی که و از خواهران و برادرانش مراقبت کند. او در ابتدا کار جا به جایی مواد را به عهده پادش می‌آید مجبور بوده خرج اعتیاد مادرش را بدهد داشته اما بعد از ربوده شدن توسط یکی از گنگ‌های مواد مخدر، وادار به تن فروشی هم شده است.

این دختر جوان در سن ۵۱ سالگی با کمک یکی از اعضای مسن تر گنگ فرار کرده و بعد ها با او ازدواج می‌کند؛ اما همسرش توسط افراد مسلح گنگ مزبور کشته می‌شود. آنجلا می‌گوید: وقتی برای زایمان فرزند دوم در بیمارستانی در پرو بستی شدم، تازه فهمیدم که به اچ. ای. وی مبتلا شده‌ام. درد شدیدی داشتم اما در کشور من تابوهای فرهنگی و اجتماعی زیادی وجود دارد. تابوهایی که باعث شد من را از بیمارستان بیرون بیاندازند در حالی که به هیچگونه خدمات بهداشتی و درمانی دسترسی نداشتم.

آنجلا می‌گوید، حکایت ترور، تجاوز و خشونت بارها و بارها در زندگی او تکرار شده است. حالا او که به طور معجزه آسایی توانسته با فرزنداناش به آمریکای شمالی فرار کند؛ در حالی تولد ۵۴ سالگی اش را در انجمن حمایت از بیماران مبتلا به ایدز جشن می‌گیرد که «افسردگی، اختلال استرس پس از ضربه (تروما) و بیماری اضطراب دست و پنجه نرم می‌کند. با "اچ. ای. وی" علاوه بر ویروس

خشونت علیه زنان یکی از مشکلات جهانی سلامت است

خشونت خانگی یکی از مهمترین دلایل آزار زنان در بیشتر کشورهای جهان است که طیف وسیعی از مشکلات سلامت جسمی، روانی و جنسی را به جای می‌گذارد. تجاوز و خشونت جنسی بر علیه زنان در جهان روز به روز در حال افزایش است. علاوه بر آن تجارت سکس و ترس از خشونت باعث مخفی شده است. "اچ. ای. وی" سایر اشکال سوء استفاده ها باعث افزایش آسیب پذیری زنان در مقابل ویروس با "، پیشگیری، خدمات مشاوره و درمان می‌شود. این مسئله عملاً "اچ. ای. وی" کاری و در نتیجه عدم دسترسی زنان به اطلاعات، تست انگ ناشی از اچ. ای. وی در ارتباط است.

بین ۰۲ تا ۸۴ درصد از دختران ۰۱ تا ۵۲ ساله گزارش کرده اند که اولین تماس جنسی شان به اجبار بوده است

آمارهای جهانی نشان داده است که این خطر تنها به زنان جوانی که رابطه جنسی خارج از ازدواج دارند محدود نمی شود. حتی زنان جوانی که تنها با همسرشان ارتباط جنسی دارند نیز در معرض خطر قرار دارند. چرا که استفاده از کاندوم در ارتباطات زناشویی به عنوان یک راه پیشگیری کمتر مورد توجه قرار می گیرد.

زها که به بیماری های ایدز و هپاتیت مبتلاست و در مرکز گذری درمان اعتیاد شهر مشهد بستری است می گوید که خرج موادمش را از راه تن فروشی تامین می کرد.

می گوید که خرج موادمش را از راه تن فروشی تامین می کرده او به بیماری هپاتیت و "مرکز گذری درمان اعتیاد در شهر مشهد" زها در « ویروس اچ.ای. وی مبتلاست. او می گوید بارها و بارها مشتریانش در شهر مشهد حتی مردان متاهل، راضی به استفاده از کاندوم نشده اند.»

ایدز یکی از عوامل اصلی بیماری و مرگ ومیر زنان در جهان است

تحقیقات نشان داده است که زنان بیشتر از مردان در معرض ابتلا به ویروس اچ.ای. وی در اثر مقاربت جنسی با فرد آلوده ای هستند که از کاندوم استفاده نمی کند. زنان جوان بیشتر احتمال دارد که با مردان مسن تر رابطه جنسی برقرار کنند و مردان مسن تر معمولاً بیشتر سابقه و در نتیجه احتمال آلوده بودن به ویروس ایدز بیشتر است. [1] مناسبات جنسی داشته اند

قرار می دهد "اچ.ای. وی" فیزیولوژی مجرای تناسلی زنان، آنان را نسبت به مردان بیشتر در معرض ابتلا به ویروس

زنان در طول یک رابطه جنسی، دو برابر بیش از مردان ممکن است به اچ.ای. وی مبتلا شوند. خشونت یا رابطه اجباری معمولاً خراش یا از راه مخاط واژنی را تسهیل می کند. رابطه جنسی "اچ.ای. وی" بریدگی هایی در ناحیه تناسلی به وجود می آورد، که نفوذ ویروس [2] اجباری توانایی زنان را برای وادار کردن شریک جنسی خود به استفاده از کاندوم کاهش می دهد.

با توجه به اینکه تنها راه مبارزه با این بیماری پیشگیری است. به منظور کاهش شیوع آن در میان زنان و دختران جوان می بایست برنامه می توان گفت که انتشار شواهدی هایی فراگیر در مقابل خشونت علیه زنان و ایدز در سطح سیاست گذاری ها و اجرا در نظر گرفته شود. که نشان دهد، خشونت علیه زنان چه هزینه های اقتصادی و بهداشتی را به دنبال دارد و تاکید بر ارتباط آن با بیماری ایدز می تواند شود؛ تاثیر گذار باشد. مددکاران اجتماعی به عنوان برافزایش فعالیت هایی که باعث بهبود و پیشرفت آموزش ها و قوانین موجود مشغول به ارائه خدمات اجتماعی هستند، می توانند با "اچ.ای. وی" امدادگرانی که در خط مقدم کار با زنان و بیماران مبتلا به ویروس اتخاذ نقش های کمک کننده و مدافعه گری در تغییر سیاست های آموزش و درمانی در مواجهه با این بیماری نقش بسیار تعیین کننده ای داشته باشند.

"اچ.ای. وی" وظایف مددکاران در مواجهه با بیمار مبتلا به ویروس

باید به مددکاران اجتماعی و مقامات قضایی و قانونی که ممکن است با قربانیان خشونت های خانگی و اجتماعی مواجه می شوند، روش آموزش داد. این آموزش ها باید شامل اطلاعات و شیوه های درمانی پس از ابتلا به بیماری نیز "اچ.ای. وی" پیشگیری از ابتلا به های باشد.

مددکاران اجتماعی شاغل در بخش ها و سازمان های برای "اچ.ای. وی" راهنما و استاندارد جهانی کار با یک مراجع مبتلا به ویروس مختلف خدمات اجتماعی؛ مبتنی بر خدماتی است که سازمان متبوع مددکار به این دسته از افراد ارائه می دهد. با این وجود تمامی رویکردی همه جانبه نگر را اتخاذ می کنند. "اچ.ای. وی" مددکاران اجتماعی در برخورد با یک مراجع مبتلا به ویروس

این رویکرد بر طبق استاندارد تعیین شده توسط انجمن جهانی مددکاران اجتماعی شامل، ارزیابی اولیه و طرح ریزی مداخلات حرفه ای با تاکید بر روی نقاط قوت به است که فرد مبتلا به آن نیازمند است. ارزیابی و جمع آوری اطلاعات در مورد وضعیت بیمار می بایست همراه سنجش نیازها و ضعف های موجود در زندگی بیمار باشد. مهمترین قسمت ارزیابی اولیه، اندازه گیری سطح عملکرد روزانه بیمار است. این ارزیابی رویکردی همه جانبه نگر دارد، به طوریکه تمامی سطوح فیزیکی، محیطی، رفتاری، روانشناختی و اقتصادی را به همراه ارزیابی وضعیت بهداشت روانی بیمار در نظر می گیرد.

مثبت، در نظر گرفتن و شناسایی "اچ.ای. وی" "بسیاری از مددکاران اجتماعی براین باورند که مهمترین قسمت کار با یک مراجع غیررسمی حمایتی او، مانند خانواده، دوستان، سایر نقش های اجتماعی او در محیط اطرافش، موقعیت شغلی و مهمتر از همه باورها منابع طرح مشاوره های حمایتی و نقاط قوت و ضعف زندگی فرد، راه را برای و اعتقادات مذهبی اوست. شناسایی و شناخت منابع حمایتی، روانشناسی هموار می کند.

ارائه خدمات مشاوره ای کوتاه و بلند مدت نظیر مشاوره های آموزشی، تشکیل گروه های درمانی و خودیار به منظور افزایش مهارت های مقابله ای فرد بیمار، اطمینان به پایداری به طرح درمانی و پیشگیری توسط بیمار و کاهش عواملی که کارکرد روزانه و کیفیت زندگی فرد را تحت تاثیر خود قرار می دهد، در کنار تسهیل دسترسی فرد بیمار به منابع حمایتی مالی و غیر مالی از جمله وظایف مددکاران اجتماعی در کار با این گروه از افراد است.

هستند و همچنین تحت "اچ. ای. وی" مبتلا به ویروس با این وجود در سراسر دنیا هنوز ارائه خدمات حرفه ای و درمانی به زنانی که خشونت خانگی قرار دارند، به دلیل بسیاری از مسائل فرهنگی و تابوهای اجتماعی بسیار چالش برانگیز است. تابوهای اجتماعی و فرهنگی در کنار افزایش فقر در میان جمعیت زنان که رفتارهای پرخطر مانند تن فروشی در مقابل غذا، مسکن و پول را در زنان تشدید می کند، اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان اجرای طرح های پیشگیری اولیه و ثانویه و همینطور درمان را با مشکلات زیادی روبرو کرده است.

منابع:

[1] تبعیض جنسی کشنده تر از بیماری، تغییر برای برابری، نوامبر ۲۰۱۱

<http://www.opdv.ny.gov/professionals/health/hiv aids.html>

[2] بیدار زنی، رابطه ایدز و خشونت های مبتنی برجنسیت، نیکزاد زنگنه

<http://4dahuint.bidarzani.com/8770>

Women and HIV/AIDS: Confronting the crisis

<https://www.unfpa.org/hiv/women/report/chapter6.html>

• **Social Work in an AIDS/HIV clinic**

http://www.socialworker.com/feature-articles/practice/Social_Work_in_an_HIV-AIDS_Clinic

HIV/AIDS Medical Social Worker Standards of Care

<http://hivcommission>

la.info/hiv_medical.pdf

مددکاران در خط مقدم فوریت های اجتماعی



مددکار اجتماعی - مژگان میر اشرافی

زن با اورژانس اجتماعی یا همان خط تلفنی ۳۲۱ تماس گرفته و می گوید که به علت اعتیاد به مواد مخدر دیگر قادر نیست از کودک « به ۵ ساله اش که او هم دچار سوء مصرف مواد است، نگهداری کند. قاضی دستور انتقال کودک را به سازمان بهزیستی صادر می کند. منظور انتقال کودک به سازمان بهزیستی، مددکار اجتماعی به همراه ۲ نفر از مامورین کلانتری به محل سکونت کودک، مراجعه می کنند. زمانی که آنها در حال خارج شدن از خانه کودک هستند، ناگهان ۳ مرد به همراه مادر پسر بچه به مددکار حمله می کنند تا پسر بچه را به «خانه بازگردانند. با وجود همراهی مامورین نیروی انتظامی، مددکار اجتماعی به شدت آسیب می بیند و به بیمارستان منتقل می شود.

با گذشت بیش از پنج دهه از فعالیت حرفه ای مددکاران اجتماعی در ایران، امروزه متخصصان این حرفه در حوزه های متنوع و وسیعی مشغول فعالیت هستند. بی تردید مراکز مداخله در بحران و اورژانس اجتماعی یکی از مهمترین حوزه های تخصصی فعالیت مددکاران اجتماعی محسوب می شوند. اما با وجود آنکه نزدیک به ۵۱ سال است از تاسیس اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی می گذرد، مددکاران اجتماعی شاغل در مراکز مداخله در بحران همواره در معرض خطر بوده اند و یا به دلیل عدم همکاری بین سازمانی دستگاه های مواجه می شوند. قضایی - انتظامی و نقص قوانین در مورد حمایت از کودکان و زنان با چالش ها و مشکلات فراوانی

خشونت خانگی، در سال ۸۷۳۱ مراکز مداخله در بحران به منظور ارائه خدمات و رسیدگی به وضعیت آسیب دیدگان اجتماعی در زمینه ابتدا در ۸ استان تاسیس شدند و پس از آن، طی ۵۱ سال گذشته در فرار از خانه، کودک آزاری، طلاق، اختلال هویت جنسی و غیره استان های دیگر نیز گسترش یافتند.

مهمترین هدفی که مراکز اورژانس اجتماعی ویا مداخله در بحران دنبال می کنند، فراهم کردن پایگاهی امن برای ارجاع اولیه آسیب دیده اجتماعی است. در حال حاضر اورژانس اجتماعی شامل خط ۳۲۱، خدمات سیار، مداخله در بحران و پایگاه اورژانس اجتماعی می شود.

اغلب مددکاران اجتماعی فعال در مراکز مداخله در بحران و فوریت های اجتماعی، در فرایند پذیرش و ارائه خدمات حمایتی به آسیب دیدگان اجتماعی و قربانیان خشونت های خانگی، با چالش های فراوانی مواجه هستند. به عنوان مثال بسیاری از مددکاران شاغل در بخش فوریت های اجتماعی، ممکن است به صورت هم زمان، ناچار به ارائه خدمت به تعداد زیادی باشند؛ چراکه خدمات مددکاران اجتماعی خصوصا آن دسته از آنان که دانش آموخته رشته مددکاری اجتماعی و آموزش دیده هستند، کاربرد زیادی دارد.

، در خصوص همکاری های بین بخشی میان دستگاه های در سال ۲۹۳۱ "فوریت های اجتماعی" با وجود تصویب و ابلاغ آیین نامه اجرایی از جمله دادگستری، وزارت کشور و نیروی انتظامی توسط هیات دولت، با این حال، مددکاران اجتماعی به عنوان خط مقدم حوزه ناشی از همکاری های بین بخشی فوریت های اجتماعی، علاوه برآنکه در معرض خطر جانی قرار دارند، فشارهای عصبی شدیدی را که به عنوان یک فرایند بسیار ضروری است، متحمل می شوند.

همسایه ها یک مورد کودک آزاری را گزارش داده اند. آنها صدای فریاد و التماس های کودک ۴ ساله را که آزار و اذیت می شود، می شنوند. مددکاران اجتماعی مرکز مداخله در بحران برای بازدید و بررسی موقعیت کودک در خانواده به محل می روند. پدر در هر روز به همراه مامور نیروی انتظامی داخل خانه می شوند. مددکار، کودک ۴ خانه را بروی مددکار اجتماعی باز می کند و مددکار اجتماعی بر روی بدن ۳ ساله را درحالی که بدنش به شدت بر اثر جراحت های وارده از طرف پدر معتاد کبود شده، پیدا می کند. جای ته سیگار که کودک خاموش شده، کاملاً مشهود است. مددکار اجتماعی تصمیم می گیرد که کودک را از خانه خارج کرده و به مرکز نگهداری و قرنطینه سازمان بهزیستی انتقال دهند. در هنگام خروج با آنکه مامور نیروی انتظامی مددکاران اجتماعی را همراهی می کرده اند، پدر به « آنها حمله می کند و مددکار اجتماعی که ۳ ماهه باردار بوده است بر اثر جراحت وارده از طرف پدر کودک، کودکش را سقط می کند.

فقدان آموزش های لازم و کافی به مامورین نیروی انتظامی جهت نحوه برخورد با چنین مواردی و چگونگی دفاع از جان خود و مددکاران اجتماعی در بسیاری از موارد جان آنها را در معرض خطر قرار می دهد. چنانچه بنا به اظهارات مسئول اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی، اعضای گروه مداخله در بحران در دو تا سه درصد مداخلات، تهدید به اسید پاشی و چاقو زدن شده اند و حتی در یکی از موارد در شهر به مددکار اجتماعی توسط یک کودک آزار ۸ ضربه چاقو وارد شده است. ورامین

در جریان مداخله در بحران، تعارض بین اصول اخلاقی مددکاری اجتماعی و قوانین حقوقی، به ویژه در خصوص حمایت از کودکان و زنان آزار دیده بیش از سایر حوزه های کاری در مددکاری اجتماعی چالش برانگیز است. به طور مثال در صورت گزارش یک مورد کودک آزاری زمانی که تیم مداخله در بحران به محل اعزام می شوند، بدون داشتن حکم قضایی نمی توانند وارد خانه شوند. با این حال در موارد بسیاری گرفتن حکم قضایی ساعت ها و یا به طور معمول ۴۲ ساعت طول می کشد. بر فرض اگر با توجه به ضرورت مساله، آزاردهنده پدر کودک بوده و نیاز باشد که او به دادگاه ارجاع داد، باز گرفتن حکم قضایی مدت زیادی به طول می انجامد، که خود این زمان ممکن است کودک و یا سایر اعضای خانواده را در معرض آسیب و خشونت بیشتری قرار دهد.

تو چیکاره اش " قاضی رو به مددکار اجتماعی می کند و از او که همراه کودک معارض با قانون در دادگاه حاضر شده است می پرسد: « دختر جان این بچه خودش مادرو پدر دارد، نیاز به له له ندارد. به جای این". قاضی: "مددکار اجتماعی هستم" مددکار: "هستی؟ «. کارها برو بشین بچه های خودت را بزرگ کن

مددکاران اجتماعی اغلب باید با سایر افراد حرفه ای که نگرش یکسانی با آنان در کار با آسیب دیدگان اجتماعی ندارند همکاری کنند؛ اغلب زمانی که مددکاران اجتماعی تلاش می کنند که در فرایند حمایت گری و مدافعه گری از آسیب دیدگان اجتماعی از برجسته خوردن آسیب دیدگان به خصوص کودکان معارض با قانون، جلوگیری نمایند، ممکن است به تخصص مددکاران اجتماعی توسط وکلا، قضات، مامورین انتظامی و گاهی پزشکان را احترام گذاشته نشود.

نبودن جایگاه قانونی مددکار اجتماعی در تعامل با سیستم قضایی سردرگمی بسیاری را برای آنان در نحوه تعامل با سیستم قضایی بوجود آورده است. مددکاران به طور قاطع نمی دانند که باید به چه شیوه ای در فرآیند دادرسی و قضایی گزارش تهیه کنند و به اینکه قوانین حمایتی بخصوص در موارد کودک آزاری می تواند در روند دادگاه تاثیر داشته باشد، اطمینان ندارند.

براساس اظهارات بسیاری از مددکاران اجتماعی، مراجع قضایی در مورد پذیرفتن مددکار احساس وظیفه نمی کنند. روشن شدن جایگاه مددکار اجتماعی در سیستم قضایی می تواند به آنها در ایجاد موازنه بین اصول حرفه ای مددکاری اجتماعی، اصول قانونی و حقوقی کمک قابل توجهی کند و در عین حال شرایط را برای حمایت گری به نفع افراد آسیب دیده اجتماعی بخصوص کودکان تسهیل کند.

آن است، مددکاران اجتماعی "در دسترس و به موقع بودن" و "تخصصی بودن" به نظر می رسد با آنکه ویژگی مهم ارائه خدمات اجتماعی شاغل در مراکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی کشور با محدودیت های بسیاری در ارائه خدمات در شرایط بحرانی روبرو هستند.

منابع:

همایش مددکاری در حوزه کودکان، مددکاران اجتماعی در فرایند دادرسی ویژه کودکان، پژوهش کیفی، معارف وند، تدین، عین الیقین، ۹۳۱، ۰۹۳۱

- در اورژانس ۳۲۱ چه می گذرد؟ عصر ایران،
- <http://goo.gl/dwyyyo> ۱۹۳۱

<http://goo.gl/fhqxaP> اورژانس اجتماعی نیازمند حمایت است، سایت تخصصی مددکاران اجتماعی

- معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور
- <http://123.behzisti.ir/modules/showframework.aspx>

سامانه بانک اطلاعات آسیب های اجتماعی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

<http://asibha.mcls.gov.ir/fa/ghorop/rigor/childabuse/manabe/emergency>

- <http://www.hamshahrionline.ir/details/171116>
- <http://tadbir24.ir/fa/news/8684>
- <http://www.khabaronline.ir/detail/306553/weblog/mosavichalak>